

## ارائه مدلی برای ارزیابی عدالت آموزشی در آموزش متوسطه

اسماعیل کاظم پور<sup>۱</sup>، ارکیده افتخاری<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور ارائه مدلی برای ارزیابی عدالت آموزشی در سطح کلاس‌های درس دوره متوسطه صورت گرفت. روش پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نوع، توصیفی-تحلیلی است. پس از بررسی سوابق تحقیقات انجام شده و تئوری‌های مربوطه، ۱۳ مؤلفه شناسایی و در قالب یک پرسشنامه محقق ساخته تنظیم شد. در این پژوهش، با مطالعه مبانی نظری در خصوص مباحث عدالت آموزشی و همچنین بررسی پیشینه، مؤلفه‌ها و عناصر الگو استخراج و بر مبنای آن‌ها، الگوی ارزیابی عدالت آموزشی تدوین گردید. پس از تعیین روایی پرسشنامه توسط استادان، ضریب پایایی پرسشنامه در همه ابعاد به روش آلفای کرونباخ ۰/۸ بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان، کارشناسان آموزش و پرورش دوره متوسطه استان‌های شمالی کشور (گیلان و مازندران) بوده که از این تعداد ۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند، که متخصصان به روش هدفمند، و معلمان و کارشناسان به روش تصادفی طبقه ای نسبی نمونه گیری شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از فرآیند مفهوم سازی، تحلیل عاملی و روش تحلیل مسیر و آنوا استفاده گردید. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که عدالت آموزشی با ۱۳ مؤلفه، در ۱۱ عامل قابل مدل سازی است که عبارتند از، موقعیت اقتصادی و اجتماعی، تعهد معلم نسبت به دانش‌آموزان، اخلاق تحصیلی، انصاف و عدالت نسبت به دانش‌آموزان، وفاداری نسبت دانش‌آموزان، کم کاری معلم، عملکرد نظام آموزشی، نابرابری آموزشی، تقلب، تبعیض و دسترسی به عوامل آموزشی می‌باشد. آماره تحلیل مسیر نیز در قالب یک مدل نشان داد که هر یک از ۱۱ عامل، تا چه حد توان ارزیابی عدالت آموزشی را دارا می‌باشند. در این روش رابطه‌ی میان هر یک از مؤلفه‌ها مشخص شده و بر این اساس مؤلفه‌های موقعیت اقتصادی و اجتماعی، دسترسی به عوامل آموزشی، عملکرد نظام آموزشی، تعهد معلم، وفاداری معلم و نابرابری آموزشی با هم و هر کدام هم با سؤالات یکدیگر در ارتباط می‌باشند و مؤلفه‌های اخلاق تحصیلی، انصاف و عدالت، کم کاری معلم، تقلب و تبعیض هر کدام به صورت مستقل بر عدالت آموزشی تأثیر گذارند.

**کلید واژه‌ها:** ارائه مدلی، ارزیابی، عدالت، عدالت آموزشی.

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱/۲۹ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۶

<sup>۱</sup>. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تنکابن، ایران. (نویسنده مسئول)

Kazempour.edu@gmail.com

<sup>۲</sup>. دانش آموخته‌ی کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تنکابن، ایران.

orkideheftekhari@gmail.com

### مقدمه

عدالت<sup>۱</sup> همچون سایر ارزش‌های معنوی با حیات بشر آغاز شده است. این ارزش مهم و اساسی نسبت به سایر ارزش‌های معنوی مانند آزادی، مساوات، برابری و... است (ندایی، ۱۳۷۹). عدالت در محیط‌های آموزشی زمانی محقق می‌شود که از طریق درون دادها و فرآیندهای جاری در محیط آموزشی، افراد قادر باشند به پیامدها یا همان هدف غایی که اهداف علمی و آموزشی، اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی است، دست یابند (ثناگو، ۱۳۹۰). اصطلاح عدالت آموزشی<sup>۲</sup> مفهومی گسترده و دارای کاربردی متفاوت از دیدگاه‌های مختلف است. شاید در نگاه نخست، معانی که از این واژه به ذهن متبادر شود، این موارد را شامل شود: مساوات در منابع و امکانات آموزشی مراکز آموزشی مختلف، برخورد یکسان معلمان با دانش‌آموزان مختلف، آموزش تفکر انتقادی به دانش‌آموزان جهت بررسی موقعیت اجتماعی خود و تحلیل ساختار طبقاتی بعضاً ناعادلانه در جامعه برای رسیدن به برابری فارغ از زمینه‌ی اجتماعی و تفکر اقتصادی، فرآیند مقابله با موانع امید بخشی<sup>۳</sup>، تحرک اجتماعی<sup>۴</sup> و تفکر انتقادی<sup>۵</sup> در بین دانش‌آموزان و کل سیستم آموزشی. برقراری عدالت آموزشی و ارائه‌ی امکانات آموزشی نیز می‌تواند به صورت استحقاقی و شایسته‌سالاری توزیع شود. هم توزیع جبرانی و ترمیمی می‌تواند ملاک عمل باشد و هم توزیع برابر امکانات آموزشی (یاری قلی و همکاران، ۱۳۹۱). آموزش و پرورش<sup>۶</sup> پدیده‌ی عام<sup>۷</sup> و در عین حال منحصر به فرد<sup>۸</sup> است، عام از آن روی که یکی از پایه‌های اساسی هر جامعه را تشکیل می‌دهد و جامعه بدون آن نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد و منحصر به فرد از آن جهت که در رابطه با همه‌ی ابعادش، حاصل یک فرهنگ معین است. آموزش و پرورش فرآیندی است که از طریق آن دانش موجود، انتقال و مرزهای دانش گسترش می‌یابد، پس کارکرد آن هم محافظه کارانه<sup>۹</sup> و هم

- 
1. Justice
  2. Educational justice
  3. Promising
  4. Social mobility
  5. Critical thinking
  6. Education
  7. Commoner
  8. Unique
  9. Conservative

خلاق<sup>۱</sup> است (زنجانلی زاده، ۱۳۸۶). نهاد آموزش و پرورش یکی از نهادهای آغازین است که در همه جوامع شناخته در طول تاریخ وجود داشته است و در آینده نیز وجود خواهد داشت. هرچند ساختار نهاد آموزشی در سایه پیشرفت‌های تکنولوژیک، ممکن است در طول زمان تغییر کند، ولی کارکرد آن همچنان انتقال فرهنگ، دانش، مهارت‌ها و فنون به نسل‌های بعدی است (قلی پورو پیران نژاد، ۱۳۸۶).

یکی از مؤثرترین راه‌های تحقق عدالت آموزشی، تأمین فرصت‌های یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش و پرورش است و همه ی آحاد انسانی حق دارند از آموزش و پرورش یکسان برخوردار گردند (عبدوس، ۱۳۸۱: ۱۳۸). جایگاه رفیع آموزش و وجود استعداد‌های سرشار و توانمند وجود عدالت را بیشتر ضروری می‌سازد. عدالت آموزشی یعنی بهره‌گیری همه ی استعداد‌های کشور از امکانات، متناسب با نیازهایشان و تحقق این آرزوی دیرین مستلزم اراده ای قوی و همه جانبه نگر است تا با جلوگیری از انباشت امکانات و توانمندی‌ها در یک نقطه خاص یا برخی مناطق برخوردار زمینه بهره مندی همه استعدادها از امکانات را فراهم آورند. عدالت آموزشی و نابرابری‌های آموزشی<sup>۲</sup>، مفاهیمی هستند که همانند دو روی یک سکه، واقعیتی به نام میزان دسترسی دانش‌آموزان و لازم‌التعلیمات طبقات، جنسیت‌ها، نژادها، فرهنگ‌ها و مناطق متفاوت را به تحصیل، تعریف می‌کنند (دهقان، ۱۳۸۳). مفهوم عدالت آموزشی متضمن دلالت‌های خاصی است. تدارک‌تعلیم و تربیت رایگان برای همه ی کودکان تا حدی که افراد به سطحی برسند که بعد از تمام شدن تحصیلات بتوانند وارد بازار کار شوند، تدارک یک برنامه درسی عمومی برای همه کودکان بدون توجه به زمینه‌های قبلی آن‌ها، برخورداری همه ی کودکان از مدارس یکسان با امکانات مشابه بدون توجه به محل سکونت شان، از جمله این دلالت‌ها به شمار می‌رود (میلبلند<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳).

اگر بحث عدالت آموزشی را محدود به محیط‌های آموزشی کنیم، می‌توانیم ۳ دسته عوامل را در آن دخیل دانست:

- 
1. Creative
  2. Educational inequality
  3. Mililband

(۱) موقعیت، منابع و امکاناتی که از طرف مسئولان نظام آموزشی تدارک دیده می‌شود، مانند معلم، منابع اولیه، برنامه‌ی درسی، محیط آموزشی؛

(۲) ویژگی‌هایی که از طرف دانش‌آموزان وارد محیط آموزشی می‌شود، مانند زمینه‌ی اقتصادی، فرهنگی و موقعیت اجتماعی دانش‌آموزان

(۳) ویژگی‌های نامحسوس که در نتیجه‌ی برخورد متقابل همه‌ی این عوامل به وجود می‌آید، مانند نوع برخورد معلمان با دانش‌آموزان و نوع برخورد دانش‌آموزان با یکدیگر (اندسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷).

تبعیض<sup>۲</sup> از زمره مفاهیمی است که ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با مفهوم عدالت دارد. در واقع به مفهوم دیگر، واژه‌ی تبعیض از نظر ادراکی نزد افراد، همپوشی قابل توجهی با مفهوم عدالت دارد. طرف دیگر واکنش‌هایی که در عرصه‌های مختلف زندگی، از افراد در مقابل بی‌عدالتی سر می‌زند شباهت بسیار زیادی با واکنش‌هایی دارد که در مقابل تبعیض ادراک شده انجام می‌دهند (گل پرور و نادری، ۱۳۹۰). نتایج تحقیق یاری قلی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «تحلیل تطبیقی فلسفه عدالت آموزشی: دیدگاه‌های لیبرال و جامعه‌گرا»، نشان داد که مفهوم عدالت تربیتی در گذر زمان و در فرهنگ‌های گوناگون دارای بار معنایی متفاوت و متضمن دلالت‌های تربیتی مختلفی است. وفاداری راولز به مبانی لیبرالیسم<sup>۳</sup> مساوات طلبانه<sup>۴</sup> و طرح اصول عدالت مبتنی بر آن، جایگاه ویژه‌ای به تفرد و مساوات بخشیده است. همچنین تقدم جامعه بر فرد از نگاه والزر سبب شده تا او مدافع تعلیم و تربیت همگانی و یکسان در مراحل اولیه تعلیم و تربیت باشد. همچنین گل پرور و همکاران (۱۳۹۰) با پژوهشی با «عنوان الگوی ساختاری رابطه‌ی عدالت آموزشی با رضایت از تحصیل، نتایج، رفتارهای مدنی-تحصیلی و فریبکاری تحصیلی» به این نتایج رسیده‌اند که بین عدالت آموزشی با رفتارهای مدنی تحصیلی رابطه‌ی مثبت و مستقیم و مثبت معنادار وجود دارد. رضایت از نتایج با رضایت از تحصیل دارای رابطه‌ی مثبت و معنادار و رفتارهای مدنی-تحصیلی دارای رابطه‌ی منفی و مثبت معنادار است. بنابر این می‌توان گفت که عدالت آموزشی از زمره‌ی

---

1. Anderson  
 2. Discrimination  
 3. Liberalism  
 4. Egalitarian

متغیرهایی است که می‌توانند رضایت از نتیجه، تحصیل و رفتارهای مدنی - تحصیلی را به طور مستقیم و فریبکاری تحصیلی را به طور غیر مستقیم تحت تأثیر قرار دهند. یافته‌های پژوهش قلی پور و پیران نژاد (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی اثرهای عدالت در ایجاد و ارتقای خودباوری نهادهای آموزشی» انجام داده‌اند یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هر اندازه عدالت توزیعی، مراوده ای، رویه ای و اطلاعاتی در نهادهای آموزشی بیشتر باشد، خودباوری بالاتر است. لذا برای ایجاد و ارتقای خودباوری ملی، ضروری است که نهادهای آموزشی بر استقرار عدالت در این نهادها اهتمام ورزند تا زمینه برای رشد در کل جامعه فراهم گردد. در پژوهشی که ثناگو و همکاران (۱۳۸۹) با عنوان «تبیین عدالت آموزشی در دانشجویان علوم پزشکی» انجام داده‌اند به این نتایج رسیده‌اند که برتری نداشتن دانشجویی بر دانشجویی دیگر، مضمون اصلی ظهور یافته می‌باشد. طبق این پژوهش، شیوه‌ی ارزشیابی و نحوه‌ی آموزش اساتید، جزء مباحثی بود که بیشترین دغدغه دانشجویان را شکل می‌داد. از نظر آن‌ها، این دو، عواملی هستند که می‌تواند رعایت عدالت آموزشی را زیر سؤال ببرند. به طور کلی همه‌ی دانشجویان در یک محیط از امکانات موجود برخوردار شوند تا زمینه برای رشد و شکوفایی استعدادها فراهم شود و افراد انگیزه‌ی کافی برای تلاش و تکاپو در راستای رسیدن به هدف داشته باشند و بتوانند بعد از فارغ التحصیلی، کارآیی و تبحر کافی در زمینه‌ی شغل آینده‌ی خود داشته باشند. نتایج تحقیقی که جنابی (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان اصفهان» انجام داده نشان داد که فرصت‌های آموزشی در دوره‌ی متوسطه برای دختران و پسران در مناطق و نواحی استان اصفهان به طور یکسان توزیع نگردیده است.

در پژوهشی که تونی و ردگرز<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) با عنوان «سیاست عدالت نژادپرستی در آموزش» انجام دادند به این نتایج دست یافتند که در سیستم آموزشی، نوعی رهبری ملی در برقراری فرصت‌ها برای دانش‌آموزان سفید پوست می‌باشد. معیارهای کلی حاکم بر جامعه، بیانگر دست آوردهای آموزش یکسان برای دانش‌آموزان رنگی نمی‌باشد. در پژوهشی که هانا و لیندن<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) با عنوان «ارزیابی تبعیض در آموزش» انجام دادند مشخص شده است که تبعیض نسبت به دانش‌آموزان

---

1. Tony & Rodgers  
2. Hana & Linden

رده‌ی پایین توسط معلمان رده‌ی پایین اعمال می‌شود در حالی که معلمان می‌توانند به گروه‌های رده‌ی بالاتر هستند اصلاً تبعیضی اعمال نمی‌کنند. پژوهشی با عنوان «عدالت آموزشی در دانش آموزان با استعداد» توسط مری<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) انجام شده و این نتایج حاصل شد که اگر دانش‌آموزان با استعداد برای فهم مطالب آموزشی که به اندازه‌ی کافی آن‌ها را به چالش بکشد شکست بخورند، عدالت آموزشی را تکذیب می‌کنند. همچنین آموزشی که به طور مناسب چالش برانگیز باشد برای ترقی کردن انسان مهم و ضروری است، اما بیشتر دانش‌آموزان را می‌توان با روش‌هایی مناسب طوری به چالش کشاند که بدون انجام اقدامات پرهزینه باعث ترقی آنان شود. با توجه به ماهیت و اهداف، مسأله‌ی پژوهش حاضر ارائه‌ی مدلی برای ارزیابی عدالت آموزشی در سطح دوره‌ی متوسطه بود. در این راستا سؤال‌های زیر مورد بررسی قرار گرفتند:

سوال‌های تحقیق

۱. مؤلفه‌های ارزیابی عدالت آموزشی کدامند؟ و در چه عواملی اشباع می‌شوند؟
۲. مدل مناسب برای ترکیب عوامل و مؤلفه‌های ارزیابی عدالت آموزشی کدام است؟
۳. آیا مدل ارائه شده برای ارزیابی عدالت آموزشی در سطح دوره‌ی متوسطه از کفایت لازم برخوردار است؟

## روش

این تحقیق با توجه به اهداف و روش‌هایی که در بر دارد به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نوع، توصیفی-تحلیلی<sup>۲</sup> است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل کلیه‌ی متخصصان علوم تربیتی، معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش استان‌های گیلان و مازندران در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ است. نمونه‌ی جامعه‌ی تحقیق حاضر، شامل ۵۰۰ از متخصصان، معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش است که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند. در این پژوهش متخصصان به دلیل پراکندگی جامعه به روش هدفمند، و معلمان و کارشناسان به روش تصادفی طبقه‌ای نسبی نمونه‌گیری شدند. همچنین از بررسی سوابق تحقیقات انجام شده و تئوری‌های مربوط، یک پرسشنامه محقق ساخته تنظیم شد که شامل ۱۳ مؤلفه بوده است. ضریب پایایی هر یک از مؤلفه‌ها عبارت است از:

---

1. Merry

2. Descriptive- analytical

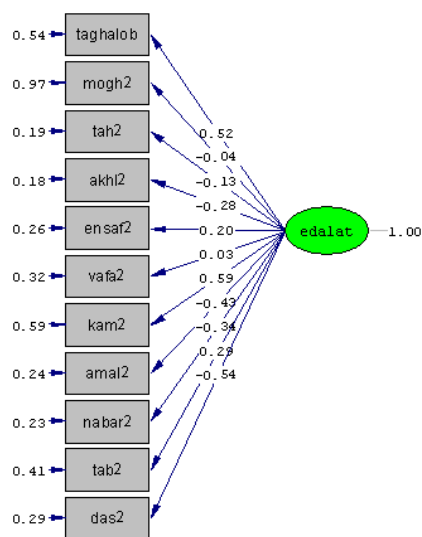
خودباوری: ۰/۳۸، برابری نسبت به دانش آموزان: ۰/۵۳، موقعیت اقتصادی و اجتماعی: ۰/۹۱، تعهد معلم: ۰/۷۴، اخلاق تحصیلی: ۰/۴۲، انصاف و عدالت: ۰/۶۳، وفاداری معلم: ۰/۳۹، کم کاری معلم: ۰/۸۳، عملکرد نظام آموزشی: ۰/۷۹، نابرابری آموزشی: ۰/۵۶، تقلب: ۰/۹۰، تبعیض: ۰/۶۹، دسترسی به عوامل آموزشی: ۰/۸۹، و ضریب پایایی کل پرسشنامه ۰/۸۰ محاسبه شده است. برای تجزیه و تحلیل از روش آماری توصیفی و استنباطی و از آزمون‌های مختلفی مانند آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی استفاده شده است. از نرم افزار Lisrel8 نیز به منظور انجام عملیات تجزیه و تحلیل (تحلیل مسیر) استفاده گردید.

### یافته‌ها

سؤال اول: مؤلفه‌های ارزیابی عدالت آموزشی کدام‌ها می‌باشند و در چه عواملی اشباع می‌شوند؟ مؤلفه‌های عدالت آموزشی در این پژوهش شامل ۱۳ مؤلفه می‌باشد که عبارتند از: خودباوری، برابری نسبت به دانش آموزان، موقعیت اقتصادی و اجتماعی، تعهد معلم نسبت به دانش آموزان، اخلاق تحصیلی، انصاف و عدالت نسبت به دانش آموزان، وفاداری معلم، کم کاری معلم، عملکرد نظام آموزشی، نابرابری آموزشی، تقلب، تبعیض، دسترسی به عوامل آموزشی. پاسخ بخش دوم سؤال اول که مؤلفه‌ها از چه عواملی اشباع شده است، عبارتند از: در بعد اول و دوم، خودباوری و برابری نسبت به دانش آموزان هر کدام شامل ۲ گزاره می‌باشد. بعد سوم: موقعیت اقتصادی و اجتماعی، ۴ گزاره؛ بعد چهارم: تعهد معلم؛ ۸ گزاره؛ بعد پنجم: اخلاق تحصیلی: ۴ گزاره؛ بعد ششم: انصاف و عدالت نسبت به دانش آموزان، ۳ گزاره؛ بعد هفتم: وفاداری معلم، ۳ گزاره؛ بعد هشتم: کم کاری معلم، ۴ گزاره؛ بعد نهم: عملکرد نظام آموزشی، ۳ گزاره؛ بعد دهم: نابرابری آموزشی، ۵ گزاره؛ بعد یازدهم: تقلب، ۶ گزاره؛ بعد دوازدهم: تبعیض، ۴ گزاره و بعد سیزدهم: دسترسی به عوامل آموزشی، شامل ۶ گزاره می‌باشد.

سؤال ۲: مدل مناسب برای ترکیب عوامل و مؤلفه‌های ارزیابی عدالت آموزشی کدام است؟ در بعد اول و دوم، خودباوری و برابری دانش آموزان، با انجام عملیات تحلیل عاملی، با توجه به این که خروجی نرم افزار عدد معنی‌داری، برای کای اسکوتر بالاتر از آستانه ۰/۰۵ نبود، و از طرف دیگر شاخص نسبت مجذور خی دو بدرجه آزادی برابر شده است که از ۳ کمتر نبود، در نتیجه این مؤلفه‌ها هر کدام با ۲ سؤال حذف شدند. در بعد سوم تا سیزدهم، شامل: موقعیت

اقتصادی و اجتماعی، تعهد معلم، اخلاق تحصیلی، انصاف و عدالت، وفاداری، کم کاری معلم، عملکرد نظام آموزشی، نابرابری آموزشی، تقلب، تبعیض و دسترسی به عوامل آموزشی با توجه به خروجی نرم افزار عدد معنی داری برای کای اسکور بالاتر از آستانه 0/05 است که برازش بسیار خوب مدل را نشان می دهد. از طرف دیگر شاخص نسبت مجذورخی دو بر درجه آزادی برابر شده است که از ۳ کمتر است. با توجه به تحلیل عاملی انجام شده در خصوص مؤلفه های مورد نظر، مدل مفهومی عدالت آموزشی بدین صورت است.



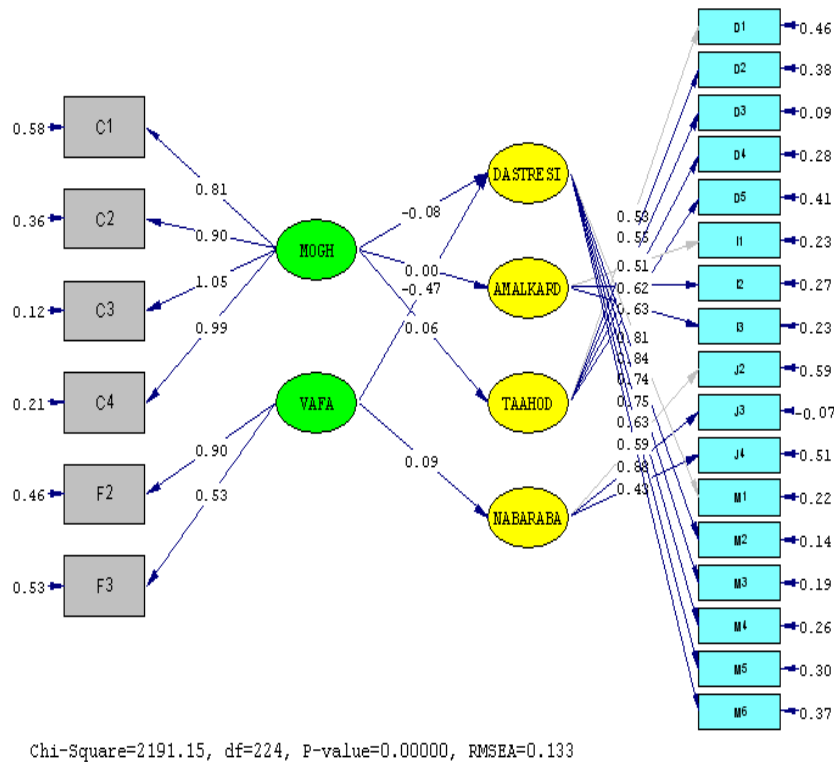
Chi-Square=1136.52, df=44, P-value=0.00000, RMSEA=0.223

#### نمودار ۱. مدل مفهومی تحلیل عاملی عدالت آموزشی

سؤال سوم: آیا مدل ارائه شده برای ارزیابی عدالت آموزشی در سطح دوره ی متوسطه از کفایت لازم برخوردار است؟

برای تشخیص مدل عدالت آموزشی که تا چه اندازه می توان در سطح دوره ی متوسطه استفاده کرد، از تحلیل مسیر استفاده شده است. بر اساس این مدل مؤلفه های موقعیت اجتماعی و اقتصادی، وفاداری معلم، دسترسی به عوامل آموزشی، عملکرد نظام آموزشی، تعهد و نابرابری آموزشی با یکدیگر و با سؤالات خود در ارتباط می باشند و مؤلفه های اخلاق تحصیلی، انصاف و عدالت، کم کاری معلم، تقلب و تبعیض هر کدام به صورت مستقل بر عدالت آموزشی تأثیر داشته اند.





نمودار ۲. تحلیل مسیر مدل عدالت آموزشی

### بحث و نتیجه گیری

عدالت از موضوعاتی است که از گذشته تا کنون در میان اندیشمندان مورد توجه بوده و در مباحث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اثرگذار بوده است. در عصر حاضر و به سبب اهمیت یافتن تربیت نسل نوظهور در توسعه، تعالی و تداوم حیات جوامع، تربیت به ویژه نوع رسمی و عمومی آن اعتبار فراوان یافته است. از این منظر عدالت آموزشی نیز مورد توجه زیاد قرار گرفته است. اما عدالت در آموزش از مقوله‌هایی است که صاحبان اندیشه کمتر به آن توجه داشته‌اند. در این پژوهش سعی شده ابتدا به مفهوم شناسی عدالت پرداخته شود؛ سپس مفهوم عدالت در حوزه آموزش و پرورش مطرح شد. بر این اساس، الگوی ارزیابی عدالت آموزشی با توجه به ابعاد و مؤلفه‌ها طراحی شد. برای اثر بخش تر کردن بیشتر الگوی عدالت آموزشی، این الگو جهت

اعتباریابی به جامعه‌ی متخصصان تعلیم و تربیت، معلمان و کارشناسان آموزش و پرورش عرضه شده است. با توجه به نتایج پژوهش میدانی الگوی عدالت آموزشی اعتباریابی شده است. این پژوهش هم سو با پژوهش هوی و تارتر (۲۰۰۴) می‌باشد که با معرفی عدالت آموزشی به عنوان یک معیار اخلاقی مبتنی بر درستی، اعتبار و اصالت، خلوص، برابری، بی طرفی، قابل اعتماد بودن و افتخار و غرور می‌دانند. پژوهش اسمیت و همکاران (۲۰۰۲) نشان داده است که احتمال درگیر شدن در تقلب و فریبکاری از بین مؤلفه‌های دیگر بیشتر تحت تأثیر ترس‌ها و نگرانی‌های افراد در محیط‌های آموزشی است که نمی‌توان گفت عدالت آموزشی قادر به تسط بر برخی از این ترس‌ها و نگرانی‌ها است. بنابراین می‌توان گفت اخلاق تحصیلی و عدالت آموزشی می‌تواند از طریق کاهش نگرانی‌های دانش‌آموزان اطمینان در دستیابی به نتایج متناسب با شایستگی و تلاش موجب تضعیف تمایل به رفتارهای فریبکارانه شود. این تحقیق همسو با نتایج پژوهش‌های مری<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) انجام شده و این نتایج حاصل شد که اگر دانش‌آموزان با استعداد برای فهم مطالب آموزشی که به اندازه‌ی کافی آن‌ها را به چالش بکشد شکست بخورند، عدالت آموزشی را تکذیب می‌کنند. با تحقیق گل پرور و همکاران (۱۳۹۰)، که عدالت آموزشی از زمره متغیرهایی است که می‌تواند رضایت از تحصیل و رفتارهای مدنی- تحصیلی را به طور مستقیم و فریب کاری تحصیلی را به طور غیر مستقیم تحت تأثیر قرار دهد. با تحقیق ثناگو و همکاران (۱۳۸۹)، که برتری نداشتن دانشجویی بر دانشجویی دیگر، مضمون اصلی ظهور یافته می‌باشد. در این پژوهش، عدالت به معنای دسترسی برابر و مساوی همه‌ی امکانات آموزشی، بدون در نظر گرفتن رشته‌ی تحصیلی، قومیت، جنسیت، مذهب، فرهنگ، معدل، اخلاق و رفتار دانشجوی، طرز لباس پوشیدن و نحوه‌ی آرایش، عوامل دموگرافی و شخصیتی می‌باشند. به طور کلی همه‌ی دانشجویان در یک محیط از امکانات موجود برخوردار شوند تا زمینه برای رشد و شکوفایی استعدادها فراهم شود و افراد انگیزه‌ی کافی برای تلاش و تکاپو در راستای رسیدن به هدف داشته باشند و بتوانند بعد از فارغ التحصیلی، کارآیی و تبحر کافی در زمینه‌ی شغل آینده‌ی خود داشته باشند.

براساس مدل موجود پیشنهاد می‌گردد که موقعیت اقتصادی و اجتماعی دانش‌آموزان، صرفاً به عنوان یک معیار و ملاک برای قضاوت دانش‌آموزان و دادن امتیاز برای کسب نمره‌ی بیشتر به

آن‌ها قرار نگیرد. اخلاق تحصیلی به عنوان یک ملاک مهم در سنجش عدالت آموزشی قرار گرفته شود تا افراد اعمال و اقدامات خود را بر مبنای ارزش‌هایی نظیر صداقت، تکیه بر تلاش شخصی، رعایت شأن و احترام دیگران انجام دهند. معلمان نسبت به شناخت استعدادها و دانش‌آموزان توجه بیشتری نشان دهند تا نادیده گرفتن این امر منجر به تکذیب عدالت آموزشی در سطح مدارس نگردد. معیارهای کلی حاکم بر جامعه، که بیانگر دستاوردهای آموزش یکسان برای دانش‌آموزان می‌باشد، با توجه به مناطق مختلف کشور و نیازهای منطقه ای صورت پذیرد.

### منابع

- شناگو، اکرم؛ مهین، نومی؛ جویباری، مهستی (۱۳۹۰). تبیین عدالت آموزشی در دانشجویان علوم پزشکی، **افق توسعه آموزش و پرورش**. دوره سوم. شماره ۷۰، صص ۳۹-۴۴.
- جنابی، علی اصغر (۱۳۸۸). **بررسی نابرابری دستیابی به فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان مقطع متوسطه استان اصفهان**، پایان نامه کارشناسی ارشد، چاپ نشده، رشته برنامه‌ریزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان.
- دهقان، حسین (۱۳۸۳). **انواع نابرابری‌های آموزشی، آموزش علوم اجتماعی**، شماره یک، دوره هشتم، صص ۴۱-۵۶.
- زنجانی زاده، هما (۱۳۸۶). **تحلیل رابطه ی آموزش و پرورش و نابرابری‌های جنسیتی، فصلنامه تعلیم و تربیت**، سال ۲۳، شماره ۳، صص ۵۵-۷۰.
- گل پرور، محسن؛ نادری، محمد علی (۱۳۹۰). **تدوین مدلی برای رابطه ی بین رضایت شغلی، تعهد عاطفی، تبعیض و ترک خدمت معلمان، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**، دوره پنجم، شماره ۳، صص ۱۲۱-۱۳۵.
- عبدوس، میترا (۱۳۸۱). **بررسی عوامل مؤثر در فرصت‌های آموزشی نابرابری بین دختران و پسران**. خلاصه مقالات مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت. قلی پور، آرین؛ پیران نژاد، علی (۱۳۸۶). **بررسی اثرهای عدالت در ایجاد و ارتقای خودباوری در نهادهای آموزشی، پژوهشنامه علوم انسانی**، شماره ۵۳، صص ۴۳-۶۰.
- ندایی، هاشم (۱۳۷۹). **بررسی معنا و مفهوم عدالت با تأکید بر عدالت اجتماعی، فصلنامه مصباح**، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۵-۲۴.

یاری قلی، بهبود؛ ضرغامی، سعید؛ قائدی، یحیی؛ نقیب زاده، عبدالحسین، (۱۳۹۲). (تحلیل تطبیقی فلسفه عدالت تربیتی): دیدگاه‌های لیبرال و جامعه گرا. **پژوهش نامه ی مبانی تعلیم و تربیت**، ۲(۱)، ص ۹۱-۱۰۸.

- Anderson, Edward (2007). Fair opportunity in Educational: **A Democratic Equality perspective**. University Chicago. Ethics.117(4). Pp 595-622.
- Hanna, Rema & Linden, Leigh (2009). Measuring discrimination in education **NBER working paper** No.15057, JEL no. 12, J16. <http://www.nber.org/papers/w15057>
- Merry, Michaels (2008). **Educational justice and the gifted, theory and research in education**, <http://www.sagepublications.com>
- Mililband, Edvard (2003). **Opportunity for all: Are We Nearly there yet?** London, Institute for Public policy Research. department for work and pensions. [www.bris.ac.uk](http://www.bris.ac.uk). Pp 75-84.
- Tony, Jermaine. Rodgers, Hillary (2011). 16 solutions that deliver equity and excellence in education. **Organizing apprenticeship project**. Opa: Brief (2). Pp1-20. [www.oaproject.org](http://www.oaproject.org)